

درویش احمد: نقش برجسته‌ای نویافته از دوره الیمایی در دامنه کوه منار (اندیکا، خوزستان)

ایوب سلطانی*، زهرا جوادی‌نیا* و مسعود صادقی‌راد**

* دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

چکیده

طی برنامه بررسی و شناسایی آثار تاریخی و تدوین پرونده‌های ثبتی شهرستان اندیکا در تابستان سال ۱۳۹۴ نقش برجسته‌ای با نام درویش احمد شناسایی گردید. این نقش برجسته که از جمله نقش برجسته‌های الیمایی است، «صحنه بزمی» را به نمایش می‌گذارد. در این نقش برجسته فرد لمیده‌ای نشان داده شده که جامی در دست دارد. در پشت سر وی شیئی که احتمالاً تیر، گرز و یا شمشیر است، به همراه تک درختی حجاری گردیده است. شباهت موضوع و نقوش موجود در این نقش برجسته یادآور پیکره هرکول در بیستون است. از نظر سبک‌شناسی و موضوع این نقش برجسته قابل مقیاس با نقش برجسته‌های برد بُت کوه تینا، تنگ سروک II، تنگ سروک IV، تنگ زیر ایذه، شیوند، بردگوری جنگه، سنگ ماهی و چوزه است و می‌توان آن را نهمین نقش برجسته شناخته شده با مضمون «صحنه بزمی» در گستره الیمایی دانست. اشتراکات فراوان این نُه نقش برجسته با یکدیگر، که همگی بر روی سنگ‌های منفرد و در مسیر ایل‌راه‌های کهن ایجاد شده‌اند، تا حدودی آن‌ها را از دیگر نقش برجسته‌های حوزه الیمایی متفاوت می‌گرداند.

واژگان کلیدی: نقش برجسته، درویش احمد، الیمایی، صحنه بزمی، کوه منار.

درآمد

الیمایی‌ها که قومی در ارتفاعات شمالی خوزستان بودند (علیزاده، ۱۳۶۹: ۳۶)، حدوداً از زمان هخامنشیان (Briant, 1982: 81) تا پایان دوره اشکانی (پاتس، ۱۳۸۵: ۵۴۴؛ Henning, 1952: 177) دوام آوردند. الیمایی‌ها با آنکه کوچ‌رو بودند (Guepin, 1965-1966: 19) اما همچون اقوام قبل و بعد خود آثار شاخصی در زمینه معماری مذهبی، نگارندهای صخره‌ای، پیکره‌سازی، ضرب سکه و نظایر آن به یادگار گذارده‌اند (صادقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). شرایط محیطی و نوع حکومت حاکمان مناطق کوهستانی (خان‌ها) که به نظر حکومتشان بر مبنای تسلط بر دره‌ها و ایل‌راه‌ها موجود در امتداد آن‌ها استوار بود، عاملی برای ایجاد نقش برجسته‌ها یا

آخرین سده‌های هزاره یکم پیش از میلاد و سده‌های آغازین هزاره یکم میلادی به نسبت ادوار قبل و بعد از آن، مرحله‌ای مبهم در چگونگی وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی در تاریخ ایران محسوب می‌گردد. این بازه زمانی با گستره تاریخی تقریباً ۵۰۰ ساله که هم‌افق با دوره‌های سلوکی و اشکانی است، از دیدگاه باستان‌شناختی گاه با مسائلی روبه‌رو است که تاکنون پاسخ روشنی نداشته‌اند. تاریخ الیمایی به عنوان بخشی از دوره و منطقه الیمایی به عنوان قسمتی از قلمرو شاهنشاهی اشکانی از این امر مستثناء نیست (صادقی‌راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۸).

در تابستان سال ۱۳۹۴ معرفی گردید (جوادی‌نیا، ۱۳۹۴).

نقش برجسته درویش احمد

نقش برجسته درویش احمد بر روی یک سنگ منفرد و مثلثی شکل با طول ۲ متر و عرض ۱/۷۰ سانتی‌متر ایجاد گردیده است (تصویر ۲، تصویر رنگی ۴ و شکل‌های ۱ و ۲). در صحنه این نقش برجسته شخصی لمیده بر تخته به نمایش در آمده که بر روی پهلوی چپ کاملاً دراز کشیده است. نقش تمام رخ و نسبتاً سالم است؛ به گونه‌ای که جزئیات در آن مشخص است. فرد لمیده با طول ۱۱۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۴۷ سانتی‌متر بر روی تخته مستطیلی شکل به طول ۱۲۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۳۶ سانتی‌متر بر دو پایه مخروطی با سر کله قندی شکل استوار است. در سمت راست تخت (جایی که فرد تکیه زده) برجستگی وجود دارد که بالشی مدور بر روی آن قرار دارد و فرد بر آن تکیه زده است. شخص لمیده آرنج دست چپ خود را به صورت ۹۰ درجه به عنوان تکیه‌گاه بر بالش نهاده و جامی (کاسه‌ای) در دست دارد و دست دیگر خود را بر کمر (یا ران) گذارده است. به علت فرسایش، چهره کاملاً از میان رفته و تنها داغی از فرم سر باقی مانده است. پای سمت چپ که بر تخت قرار دارد به صورت نوک تیز و تمام رخ است، اما پای سمت راست که بر روی پای سمت چپ قرار دارد به صورت نیم‌رخ با فرمی قایقی شکل و نوک تیز حجاری گردیده است. پای راست بزرگ‌تر از حد معمول نقر شده و حدود ۲۸ سانتی‌متر است. شخص لمیده لباسی پر چین پوشیده است. در تصویر حجاری شده پیراهن چسبیده بر تن و شلوار به صورت گشاد یا باد کرده، نمایان است. شلوار در قسمت قوزک پا احتمالاً با یکسری باند یا ساق کفش (چکمه) باریک شده است. اندکی بالاتر از پای راست این شخص شیئی با طول ۳۸ سانتی‌متر قرار دارد که به نظر تبر یا شمشیر (۴) است. علاوه بر این در پشت پای این شخص درخت سرو یا کاجی به ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر (ساقه ۱۰ سانتی‌متر و شاخ و برگ آن ۳۰ سانتی‌متر) و عرض ۱۷ سانتی‌متر تصویر شده است. ویژگی‌ها و علائم نقشی حجاری شده در این نقش برجسته یادآور پیکره هرکول در بیستون است (شکل ۹).

نگارنده‌های صخره‌ای فراوان در سرحدات مرزی و مسیر ایل‌راه‌های این نواحی بود. فراوانی تعداد نقش برجسته‌ها و عدم بررسی‌های باستان‌شناختی منسجم و دقیق در گذشته، سبب کشف روزافزون این نوع آثار در این مناطق می‌گردد. نقش برجسته درویش احمد از جمله نویافته‌هایی است که اخیراً طی مطالعات باستان‌شناختی منطقه اندیکا شناسایی گردیده. نوشتار پیش رو با نگاهی به نقش برجسته‌های الیمایی که «صحنه بزمی» را به نمایش می‌گذارند، قصد دارد به معرفی کامل نقش برجسته درویش احمد و دلایل ایجاد آن در دامنه کوه منار بپردازد.

موقعیت نقش برجسته

نقش برجسته درویش احمد با مختصات جغرافیایی $32^{\circ}23'57''$ عرض شمالی و $49^{\circ}30'45''$ طول شرقی بر روی صخره‌ای منفرد در دامنه غربی کوه منار و در ارتفاع ۱۲۱۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد (نقشه ۱ و نقشه رنگی ۱۱). این نقش برجسته در امتداد راهی قرار دارد که به موازات حاشیه آبراهه‌ای فصلی با شیبی ملایم بستر دره را به رأس کوه منار متصل می‌کند. نزدیک‌ترین و تنها مسیر عبور از دیواره صخره‌ای کوه منار، گذرگاهی صخره‌ای موسوم به رگ منار است، گذرگاهی که برای رسیدن به آن باید از میان دره و از حاشیه نقش برجسته گذشت و همین عامل سبب احداث نقش برجسته در این مکان گردیده است (تصویر ۱). این مسیر بخشی از ایل‌راه بزرگ لالی به چهارمحال (صادق‌راد و همکاران، در دست چاپ) است. از نظر تقسیمات سیاسی نقش برجسته درویش احمد در ۲۶۰ متری شرق روستای درویش احمد از توابع دهستان شلال و دشت گل در بخش مرکزی شهرستان اندیکا واقع شده است.

وجه تسمیه و پیشینه پژوهشی

درویش احمد برگرفته از نام روستایی است که در ۲۶۰ متری غرب نقش برجسته قرار دارد. این اثر برای نخستین بار توسط یکی از نگارندگان (سلطانی) شناسایی و طی پروژه بررسی و شناسایی آثار تاریخی و تدوین پرونده‌های ثبتی شهرستان اندیکا

نقش برجسته‌های بز می در گستره الیمایی

از جمله مشکلات عمده در تاریخ‌گذاری نقش برجسته‌های الیمایی عدم وجود منابع مکمل از جمله مدارک مکتوب و عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناختی است. از این رو تنها راه برای تاریخ‌گذاری این نوع آثار مقایسه تطبیقی آن‌ها بر مبنای سبک هنری است (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵۱). نقش برجسته‌های الیمایی دارای ویژگی‌هایی نظیر تمام‌رخ‌نمایی، روحانیت، خطی بودن، صلابت و واقع‌گرایی هستند (هژبری نویری و همکاران، ۱۳۹۲)، با این‌وجود از نظر هنری اغلب نقش برجسته‌ها از تکنیک حجاری بالا و اصول زیبایی‌شناسی کافی برخوردار نیستند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵۳). از جمله موضوعاتی که مکرراً در نقش برجسته‌های الیمایی موجود است، موضوع «صحنه بزم» است؛ صحنه‌ای که معمولاً شاه یا حاکم لمیده بر تختی را با جامی در دست به نمایش می‌گذارد. سابقه این نوع نقوش به دوره آشور نو و زمان آشوربانیپال می‌رسد (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۴). این سبک از نقوش بعدها در هنر اقوام مختلف، خصوصاً گستره کوهستانی الیماییان ادامه یافت و پس از آن نیز در میان خوانین این منطقه موروثی گردید (تصویر ۸). پژوهشگران در حوزه الیمایی، تاریخی میان اواخر قرن دوم تا اوایل قرن سوم میلادی را برای چنین صحنه‌هایی تخمین می‌زنند.^۱

تا پیش از کشف نقش برجسته درویش احمد، هشت نقش برجسته با صحنه بزم که فرد یا افرادی در آن‌ها به صورت لمیده نقش شده‌اند، شناسایی گردیده بود. این هشت نقش به ترتیب عبارت بودند از: ۱- نقش برجسته برد بُت کوه تینا (سوزتینا) (واندنبگ و شیپمن، ۱۳۸۹: ۶۲) (شکل ۳، تصویر ۳ و تصویر رنگی ۵)، ۲- نقش برجسته تنگ سروک II (واندنبگ و شیپمن، ۱۳۸۹: ۷۵) (شکل ۴)، ۳- نقش برجسته تنگ سروک IV (واندنبگ و شیپمن، ۱۳۸۹: ۹۱) (شکل ۵)، ۴- نقش برجسته تنگ زیر باجول (ایذه) (مهرکیان، ۱۳۷۴: ۱۱۹)

۱ - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۱.

۲ - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: Henning, 1952: 175; Altheim & Stiehl, 1959: 31; Ghirshman, 1962: 67; Schlumberger, 1970: 155; Harmatta, 1976: 295; Calledge, 1977: 92; Herrmann, 1977: 82; محمدی‌فر و دیگران، ۱۳۹۱: ۳-۲۵۲.

(تصویر ۴ و تصویر رنگی ۶)، ۵- نقش برجسته شیوند (Mehrkian, 1997: 69) (شکل ۶، تصویر ۵ و تصویر رنگی ۷)، ۶- نقش برجسته بردگوری جنگه (حیدری، ۱۳۷۷: ۹۹) (شکل ۷)، ۷- نقش برجسته سنگ ماهی (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۵ - ۲۴۷) (شکل ۸، تصویر ۶ و تصویر رنگی ۸) و ۸- نقش برجسته نویافته چوزه (تصویر ۷).

درویش احمد، نهمین نقش برجسته‌ای است که چنین صحنه‌ای را به نمایش می‌گذارد؛ مسلماً این نقش برجسته آخرین نمونه از این نوع نخواهد بود و علت آن را می‌توان در کوهستانی بودن منطقه، ناشناخته ماندن این مناطق از منظر مطالعات باستان‌شناختی، غیر منسجم بودن فعالیت‌های باستان‌شناختی و عواملی از این دست دانست.

با نگاهی به پراکنش این نقش برجسته‌ها جای شکی باقی نمی‌ماند که تمامی آن‌ها در ارتباط با ایل‌راه‌ها ایجاد گردیده‌اند. در این میان ایل‌راه لالی به چهارمحال (صادقی‌راد و همکاران، در دست چاپ و فخار و جوادنی‌نیا، در دست چاپ) تاکنون با دارا بودن سه نقش برجسته (چوزه، برد بُت و درویش احمد) با چنین مضمونی در امتداد مسیر خود، بیش‌ترین تعداد این نوع نقش برجسته را در بر دارد.

در تمام نقش برجسته‌های الیمایی با چنین صحنه‌ای، اشتراکاتی چند وجود دارد؛ در این نقش برجسته‌ها پیکره افراد تمام رخ است و درحالی که بر پهلوئی چپ لمیده‌اند، دست چپ خود را به عنوان تکیه‌گاه قرار داده‌اند. تماماً در دست چپ خود جامی (کاسه‌ای) دارند که تا نزدیک صورت بالا آمده و به سوی مقابل خیره شده‌اند. تکیه بر تخت از دیگر ویژگی‌هایی است که عموماً در این نقش برجسته‌ها دیده می‌شود. نکته قابل تأمل دیگر این است که برخلاف دیگر نقش برجسته‌ها با موضوعات نشست بر تخت، برگزاری مراسم آیینی و مانند آن که بر دیواره‌های صخره‌ای کوه ایجاد گردیده‌اند، نقش برجسته‌های دارای صحنه بزم، معمولاً بر سنگ‌ها یا صخره‌های منفرد ایجاد شده‌اند. شاید دلیل ایجاد و کاربرد این نقش برجسته‌های منفرد را باید نوعی سند یا نمادی از مالکیت هر منطقه یا ایل‌راه دانست.

بزمی» است. معمولاً محل قرارگیری این نقش برجسته‌ها در امتداد راه به گونه‌ای است که هر رهگذری به راحتی قادر به دیدن آن‌ها باشد.

جمع‌بندی

تاریخ ناشناخته الیمایی با جنبه‌های فرهنگی - هنری غنی تاکنون آن‌چنان که باید و شاید، مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ علت این امر را می‌توان غیر منسجم بودن پژوهش‌های باستان‌شناختی، جامع نبودن مطالعات تاریخ الیماییان، گسترده‌گی حوزه الیمایی و ناشناخته بودن این حوزه دانست. با این وجود و با توجه به آثار باستانی شناخته شده از الیمایی‌ها همچون بناها، نقش برجسته‌ها، پیکره‌ها، سکه‌ها و مانند آن می‌توان آن‌ها را در شمار محدود اقوامی به حساب آورد که با تکیه بر جنبه‌های بومی به فرهنگ و هنر خود غنای خاصی بخشیده‌اند. هنر تمام‌سنگی الیمایی‌ها که ریشه آن را باید در تأثیرات محیطی کوهستان‌های پیرامون بر زندگی آن‌ها دانست، همواره بر مصالح سنگی که فراوان‌ترین ماده در سراسر گستره حکومتی آن‌هاست، استوار گردیده. همین عامل یعنی استفاده از سنگ، خود مهم‌ترین دلیلی ماندگاری و دوام هنر الیمایی است.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های هنری الیمایی‌ها، هنر نقش برجسته‌سازی است؛ هنری که به صورت کلی بستری برای نمایش دو جنبه مذهبی (اعتقادی) و سیاسی (حکومتی) در میان این قوم است.

در سراسر گستره الیمایی و در میان تمام نقش برجسته‌های شناخته شده این حوزه، نه نقش برجسته برد بُت کوه تینا (سوزتینا)، تنگ سروک II، تنگ سروک IV، تنگ زیر باجول (ایذه)، شیوند، بردگوری جنگه، سنگ ماهی، چوزه و درویش احمد، نقش برجسته‌هایی هستند که از نظر ویژگی‌های فنی و مکانی و نیز مضمون در یک گروه قرار می‌گیرند.

در این نه نقش برجسته اشتراکاتی چند وجود دارد؛ از جمله اشتراکات موجود در این نقش برجسته‌ها وجود پیکره افراد به صورت تمام‌رخ و درحالی که بر پهلو چپ لمیده‌اند، دست چپ خود را به عنوان تکیه‌گاه قرار داده‌اند. تماماً در دست چپ خود جامی دارند که تا نزدیک صورت بالا آمده و به سوی

ایل‌راه لالی به چهارمحال و نقش برجسته‌های الیمایی

ایل‌راه همواره نقش حیاتی در زندگی مردم کوچ‌رو و ساکنان مناطق کوهستانی داشته و دارد؛ چرا که تمام رخدادهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظیر آن‌ها در مسیر این ایل‌راه‌ها به وقوع پیوسته است. از این‌رو، برای تمامی حکام و خان‌های این مناطق تسلط بر ایل‌راه‌ها به معنای تسلط بر منطقه بوده و از دست دادن هر ایل‌راه به منزله از دست دادن بخشی از حکومت بوده است. در دوران تاریخی حاکمان محلی با ایجاد نقش برجسته‌هایی در مسیر ایل‌راه‌ها تسلط و حاکمیت خود را در مناطق مختلف به نمایش می‌گذاشتند. عمران و آبادانی این راه‌ها سبب جلب رضایت مردم و در مقابل حمایت آن‌ها از حکام می‌شد. از این‌رو، حکام با هدف جلب رضایت مردم و عملی کردن خواسته‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و گاهی فرهنگی به عمران این راه‌ها می‌پرداخته‌اند (صادقی‌راد و همکاران، در دست چاپ). ایل‌راه لالی به چهارمحال یکی از مهم‌ترین ایل‌راه‌های کوهستانی حوزه بختیاری است. این ایل‌راه با مسیرهای فرعی فراوان مناطق گرمسیر (قشلاق) شمال خوزستان را به مناطق سردسیر (بیلاق) جنوب چهارمحال بختیاری مرتبط می‌سازد. فراوانی محوطه‌های باستانی موجود در امتداد راه و توالی گاهنگاری آن‌ها، دیرینگی استفاده از این ایل‌راه به اثبات می‌رساند. این ایل‌راه با عبور از لالی - بنه‌وار - تنگ بابا احمد - سوزتینا - رگ منار - شیمبار - چلو - تراز - چهارمحال، قشلاق را به بیلاق متصل می‌نماید (فخار و جوادی‌نیا، در دست چاپ). پراکنش آثار باستانی دوره الیمایی در امتداد این ایل‌راه اهمیت آن را طی این دوره نشان می‌دهد. از جمله نقش برجسته‌های موجود در امتداد این ایل‌راه تعداد پنج نقش برجسته چوزه، برد بُت، درویش احمد، رگ منار^۱ و تراز است. از این میان سه نقش برجسته چوزه، برد بت و درویش احمد جزء نقش برجسته‌هایی هستند که موضوع آن‌ها «صحنه

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: عبدالهی، ۱۳۸۷؛ سلطانی و قاسمی،

۱۳۸۹؛ سرداری زارچی، ۱۳۹۲؛ جوادی‌نیا، ۱۳۹۴ و صادقی‌راد، ۱۳۹۴.

۲- رگ منار نقش برجسته نویافته دیگری است که اخیراً توسط یکی از نگارندگان (سلطانی) در دامنه کوه منار شناسایی گردید؛ نگارنده رگ منار صحنه‌ای از هرکول را به صورت برهنه در حالی که با یک دست گلولی مار چند سری (هیدرا) را می‌فشارد و با دست دیگر گریز بر سر آن می‌کوبد، به تصویر کشیده است.

الیمایی باید ذکر کرد که معمولاً بر سنگ‌ها یا صخره‌های منفرد ایجاد شده‌اند. شاید دلیل ایجاد و کاربرد این نقش‌برجسته‌های منفرد را در نوعی سندسازی یا نمادسازی برای نشان دادن مالکیت هر منطقه یا ایل‌راه دانست. از این‌رو، قرارگیری این نقش‌برجسته‌ها در مسیر ایل‌راه‌ها می‌تواند با هدف نشان دادن و معرفی حاکم یا مالک هر منطقه باشد.

مقابل خیره شده‌اند. تکیه بر تخت از دیگر ویژگی‌هایی است که عموماً در این نقش‌برجسته‌ها دیده می‌شود. چنین تصاویری با عنوان «صحنه بزمی» معرفی و شناخته می‌شوند. برخلاف دیگر نقش‌برجسته‌ها با موضوعات نشستن بر تخت، برگزاری مراسم آیینی و جز آن که بر دیواره‌های صخره‌ای کوه ایجاد گردیده‌اند، در خصوص نقش‌برجسته‌ها با صحنه بزمی در قلمرو

منابع

الف) فارسی

برجسته الیمایی بتای تاراز (اندیکا - خوزستان)، «مجله اووج، سال اول، شماره ۳، صص ۱۲-۷».

پاتس، ذیل تی، ۱۳۸۵، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

صادقی‌راد، مسعود، ایوب سلطانی و زهرا جوادی‌نیا، (در دست چاپ)، «راه و کتیبه آستون در تنگ بابا احمد، اندیکا - لالی»، *راه‌های ایرانی: یادداشت‌ها و مقالاتی درباره راه‌های کهن ایران بر مبنای مدارک باستان‌شناختی و تاریخی*، به کوشش شهرام زارع.

جوادی‌نیا، زهرا، ۱۳۹۴، *گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی و تدوین پرونده‌های ثبتی شهرستان اندیکا*، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان (منتشر نشده).

عبداللهی، مصطفی، ۱۳۸۷، *فصل اول بررسی‌های باستان‌شناختی بخش اندیکا - شهرستان مسجدسلیمان*، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان (منتشر نشده).

حیدری، احمد، ۱۳۷۷، «آثار الیمایی در ارتفاعات سوسن (ایذه)»، *فصلنامه اثر*، شماره ۳۰-۲۹، صص ۲۳۲-۲۰۴.

علیزاده، عباس، ۱۳۶۹، «اشغال جنوب خوزستان به دست الیماییان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال چهارم، شماره اول، صص ۴۳-۳۴.

سرداری زارچی، علیرضا، ۱۳۹۲، *بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان‌های مسجدسلیمان و اندیکا*، جلد دوم (شهرستان اندیکا)، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان (منتشر نشده).

فخار، زرین و زهرا جوادی‌نیا، (در دست چاپ)، «راه‌های باستانی کتک و لکر، گذرگاه کوچ‌روها در ارتفاعات جنوبی کوه کینو (اندیکا، استان خوزستان)»، *راه‌های ایرانی: یادداشت‌ها و مقالاتی درباره راه‌های کهن ایران بر مبنای مدارک باستان‌شناختی و تاریخی*، به کوشش شهرام زارع.

سلطانی، ایوب و مازیار قاسمی، ۱۳۸۹، *گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی و تدوین پرونده‌های ثبتی شهرستان اندیکا*، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان (منتشر نشده).

محمدی‌فر، یعقوب، افراسیاب گراوند و عباس مترجم، ۱۳۹۱، «بررسی و تحلیل صحنه بزم در نقوش برجسته الیمایی با معرفی نقش‌برجسته نویافته سنگ ماهی در اندیکا - مسجدسلیمان»؛ *مجله مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۵، صص ۲۵۶-۲۳۹.

صادقی‌راد، مسعود، ۱۳۹۴، *پژوهش‌های باستان‌شناختی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه چشمه چلوار (اندیکا - خوزستان)*، اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان (منتشر نشده).

صادقی‌راد، مسعود، ایوب سلطانی و زهرا جوادی‌نیا، ۱۳۹۴، «نقش

مجبت‌خو، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاه‌ها (سمت).

هژبری نویری، علیرضا، نورالله مرادی، فرهنگ خادمی ندوشن و مهدی موسوی کوهپیر، ۱۳۹۲، «نگارکند الیمایی خنگ اژدر ۲ و مقایسه آن با دیگر نگارکندهای الیمایی»، *مجله باغ نظر*، سال دهم، شماره ۲۵، صص ۶۸-۵۹.

Althem, F., & Stiehl, R., 1959, "Die Inschriften von Tang-i Sarvak", In: *Asien und Rom*, Tübingen, pp. 30-87

Briant, P., 1982, *Etatet Pasteurs au Moyen-Orient Ancient*, Cambridge University Press.

Calledge, M.A.R., 1977, *Parthian Art*, London.

Ghirshman, R., 1962, *Parthes et Sassanides*, Paris.

Guepin, J.P.A., 1965-1966, "Contribution to the Location of ta Azara the Chief Sanctuary of Elymais", *Persica*, Vol. II, pp. 19-26.

مهرکیان، جعفر، ۱۳۷۴، نگارکندهای نویافته الیمایی، رساله کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).

واندبرگ، لویی و کلاوس شیپن، ۱۳۸۹، نقوش برجسته منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب محمدی‌فر و آزاده

(ب) غیرفارسی

Harmatta, J., 1976, "Inscriptions Elymeennes", In: *Terrasses sacrees*, Ghirshman, R., (Ed.), MDP, Vol. XLV, Paris.

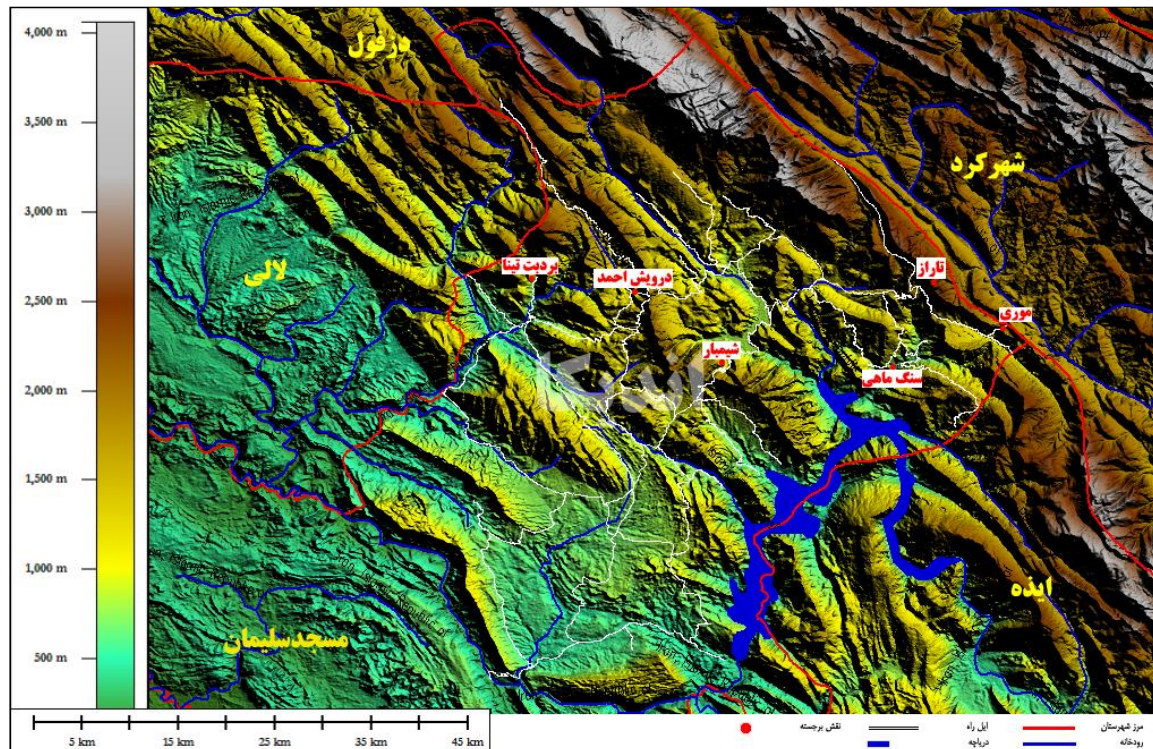
Henning, W.B., 1952, "The Monuments and Inscriptions of Tang-i Sarvak", *Asia Major*, Vol. II, pp. 151-178.

Herrmann, G., 1977, *The Iranian Revival*, Oxford.

Mehrkiyan, J., 1997, "The Elymaian Rock-Carving of Shaivand, Izeh", *IRAN*, Vol. XXXV, pp. 67-72.

Schlumberger, D., 1970, *Orient Hellenise*, Paris.

نقشه‌ها و تصاویر



نقشه ۱: موقعیت نقش برجسته درویش احمد به نسبت نقش برجسته‌ها و ایل‌راه‌های اندیکا (نقشه از نگارندگان)

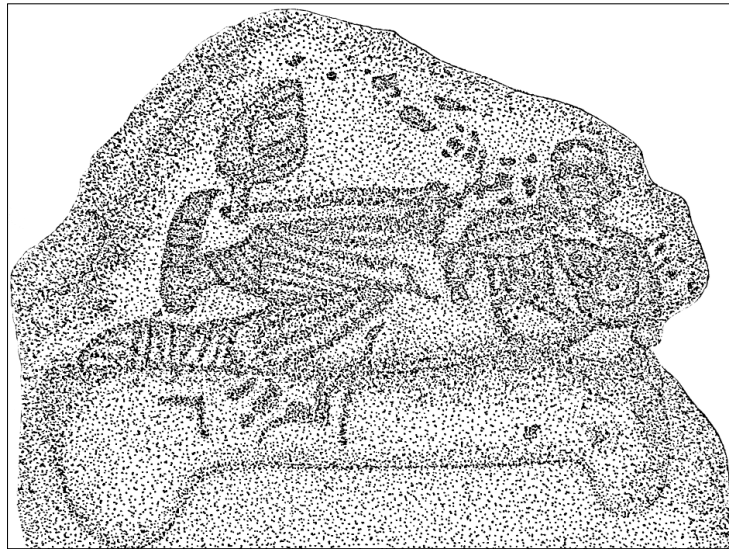


تصویر ۲: نقش برجسته درویش احمد



تصویر ۱: ایل‌راه‌های لالی به چهارمحال در دامنه کوه منار

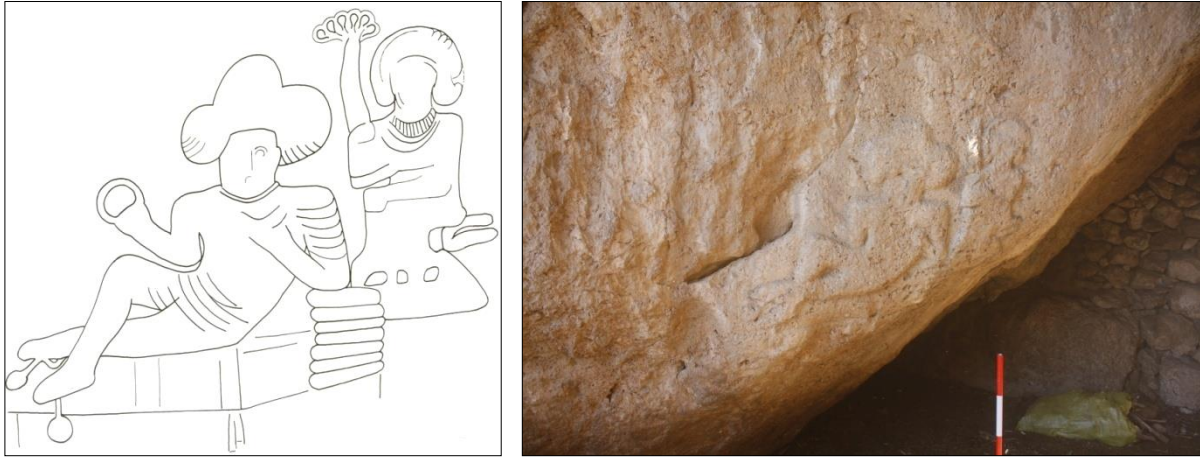
(هر دو تصویر از نگارندگان)



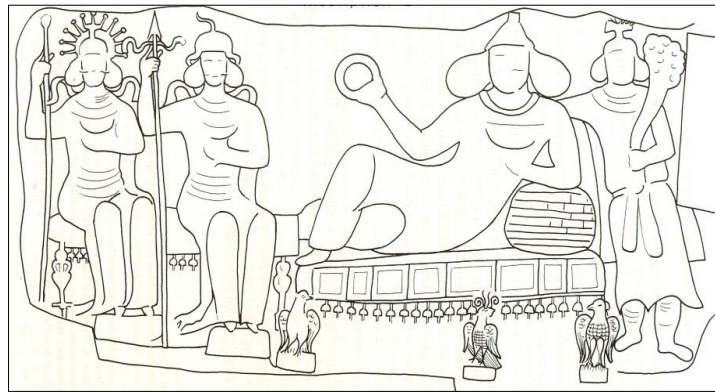
شکل ۱: طرح نقش برجسته درویش احمد (جوادی‌نیا، ۱۳۹۴، ۱۷).



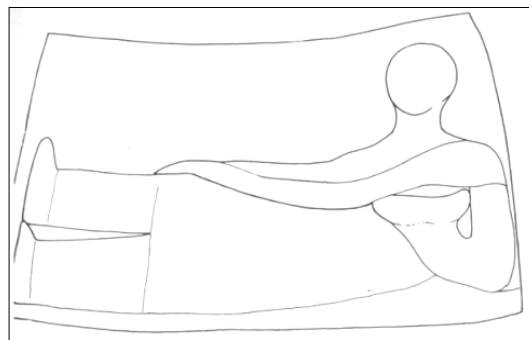
شکل ۲: طرح خطی نقش برجسته درویش احمد (جوادی‌نیا، ۱۳۹۴، ۱۷)



شکل ۳: طرح بردبُت کوه تینا (سوزتینا) (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۶۲). تصویر ۳: طرح بردبُت کوه تینا (سوزتینا) (عکس از نگارندگان)



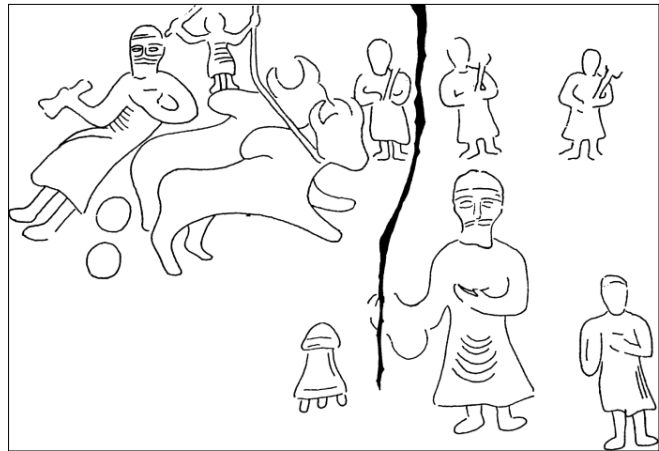
شکل ۴: طرح نقش برجسته تنگ سروک II (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۷۵)



شکل ۵: طرح نقش برجسته تنگ سروک IV (واندنبرگ و شیپمن، ۱۳۸۶: ۹۱)

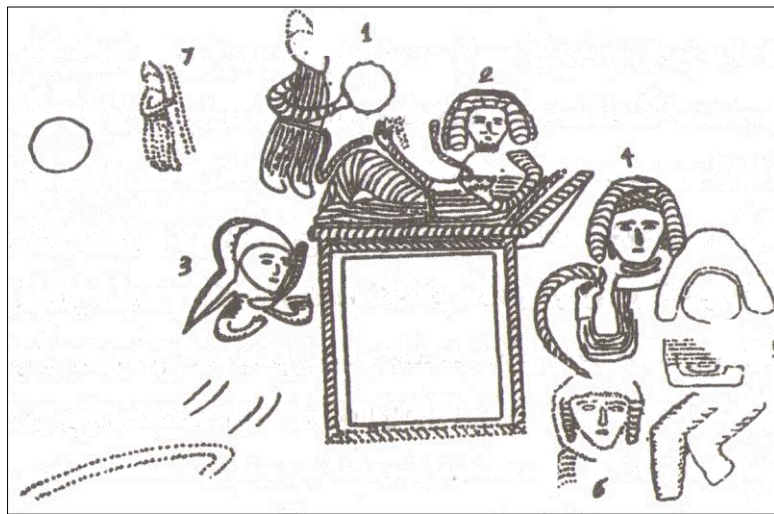


تصویر ۴: نقش برجسته تنگ زیر (ایذه) (عکس از نگارندگان)



تصویر ۵: طرح نقش برجسته شیوند (عکس از نگارندگان)

شکل ۶: طرح نقش برجسته شیوند (Mehrkhiyan, 1997: 69).



شکل ۷: طرح نقش برجسته بردگوری جنگه (حیدری، ۱۳۷۷: ۹۹).



شکل ۸: طرح نقش برجسته سنگ ماهی (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۷). تصویر ۶: نقش برجسته سنگ ماهی



شکل ۹: پیکره هر کول در بیستون (پاتس، ۱۳۸۵: ۵۷۲).



تصویر ۷: نقش برجسته چوزه (عکس از نگارندگان)



تصویر ۸: آثار سنت چند هزارساله مجالس بزم در میان خوانین بختیاری (مجمع خوانین بختیاری؛ سردار ظفر (خسرو خان بختیاری) به واسطه جایگاه برتر در میان این مجمع به حالت لمیده نمایان است) (عکس از نگارندگان).